

جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه انسانی در شهر بندرعباس

دکتر مصطفی ظهیری نیا^۱

تاریخ وصول: ۹۴/۸/۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹

چکیده:

این مقاله در صدد است با بهره‌گیری از نظریه‌ی دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت، ضمن شناخت وضعیت جهت‌گیری ارزشی، رابطه‌ی بین برخی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و نوع جهت‌گیری ارزشی، را مورد بررسی قرار دهد. داده‌های این تحقیق با تکمیل ۳۹۳ پرسشنامه، و از میان افراد هیجده سال و بالاتر در شهر بندرعباس، گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که ۴۴/۸ درصد دارای جهت‌گیری ارزشی مادی، ۵۰/۱ درصد دارای اولویت‌های ارزشی التقاطی (ارزش‌های مادی و فرامادی به صورت توأم) و ۵/۱ درصد افراد نیز دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی بودند. بعبارت دیگر، افراد ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند؛ همچنین افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن‌تر، و افراد دارای تحصیلات بالاتر نسبت به افراد دارای تحصیلات پایین‌تر، بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی گرایش دارند. یافته‌های حاصل از بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای نشان داد که بین متغیرهای تحصیلات افراد، تحصیلات والدین، احساس امید به زندگی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نوع جهت‌گیری ارزشی افراد، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. بعبارت دیگر فرضیه‌هایی که مدعی وجود رابطه‌ی بین متغیرهای فوق با نوع جهت‌گیری ارزشی بودند، مورد تأیید قرار می‌گیرند.

مفاهیم کلیدی: جهت‌گیری ارزشی، توسعه‌ی انسانی، ارزش‌های مادی و فرامادی، استان هرمزگان

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان mozan54@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

جوامع پیشرفته‌ی صنعتی به موازات موج وسیع صنعتی‌شدن و پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی، در ابعاد اجتماعی، فرهنگی نیز تغییرات و تحولات عمده‌ای را تجربه کرده‌اند. بطوری که این تغییر و تحولات منجر به شکل‌گیری نظام نوین اقتصادی و اجتماعی در این جوامع شد و آنها را در مسیر تازه‌ای قرار داده است. البته این تحولات در همه‌ی جوامع به یک نسبت اتفاق نیفتاده است و جوامع مختلف به درجات متفاوت، در ابعاد صنعتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییرات و تحولاتی را به خود دیده‌اند. اگر چه پیشینه‌ی مطالعات مربوط به ارتباط تغییر و تحولات اقتصادی و فرهنگ به مطالعه‌ی ماکس وبر با عنوان اخلاق پروتستان و روحیه‌ی سرمایه‌داری برمی‌گردد (وبر، ۱۳۸۲)، اما در دهه‌های اخیر نیز بسیاری از متفکران و پژوهشگران به بررسی ارتباط بین تحولات اقتصادی و اجتماعی و تغییرات فرهنگی پرداخته‌اند. پیمایش جهانی ارزش‌ها که از دهه‌ی ۱۹۷۰ آغاز شده است، کانون توجه‌ی خود را به این‌گونه مباحث معطوف کرده است.

در بین جوامع در حال توسعه، ایران از دوره‌ی قاجاریه با جهان صنعتی در ارتباط بوده است؛ و از آن زمان تاکنون تحولات زیادی در ایران بوقوع پیوسته است و بافت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظام ارزشی ایران دچار دگرگونی‌هایی شده است (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۷) و شاخص‌های توسعه، به ویژه توسعه‌ی انسانی نسبت به گذشته بهبود یافته است (اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی، ۱۳۷۸). خواست جمعی برای دستیابی به استانداردهای نوین زندگی نیز، نشان از بروز تحولات ساختاری در نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دارد. همان‌گونه که اینگلههارت پیش‌بینی کرده است در نتیجه این تغییر و تحولات، تغییرات فرهنگی و ارزشی محتمل به نظر می‌رسد، و جهت‌گیری ارزشی افراد از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی به سوی ارزش‌های فرا مادی گرایش پیدا خواهد کرد.

روند رو به رشد جریان صنعتی‌شدن در دهه‌های اخیر، موجب گردیده تا بسیاری از جوامع تحولات عمده‌ی اجتماعی و اقتصادی را تجربه نمایند و شاهد استقرار نظام نوین اقتصادی و اجتماعی باشند. در نتیجه این تحولات، وضعیت شاخص‌های توسعه در این جوامع بهبود پیدا کرد. انتظار می‌رفت همگام و همراه با این تحولات، و بهبود وضعیت توسعه‌ی انسانی، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد جامعه نیز به سمتی تغییر یابد که به تقویت

رفتارهای توسعه‌ای منجر گردد (اینگلهارت، ۱۳۷۳؛ دالتون و همکاران^۱، ۲۰۰۲) و جهت‌گیری ارزشی افراد نیز از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی تغییر یابد. جامعه‌ی ایران در پنج دهه‌ی اخیر از نظر وضعیت اجتماعی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین دورانهای حیات خویش را تجربه کرده است، به گونه‌ای که همواره در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بوده است و از طریق مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی و جریان‌های توسعه، ساختارهای آن دگرگون شده است. فرایند نوسازی و مدرنیزاسیون در کشور ما نیز موجب رشد شاخص‌هایی همچون صنعتی‌شدن، شهرنشینی، باسوادی، توسعه‌ی انسانی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، تحرک اجتماعی و ... گردیده است. اما مسأله این است که آیا همگام و هماهنگ با این تحولات، در نگرش‌ها و ارزش‌های افراد تغییری بوجود آمده است؟ پاسخ به این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که ارزش‌ها اصلی‌ترین عنصر تعیین‌کننده‌ی فرهنگ بشمار می‌روند و ثبات یا تغییر آنها موجب ثبات یا تغییر فرهنگ در طول زمان می‌شود و بالطبع ثبات یا دگرگونی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین وقتی که بحث تغییر فرهنگی و ارزشی مطرح می‌شود، بررسی مسأله‌ی جهت‌گیری ارزشی افراد و بررسی ارتباط آن با شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی در استان هرمزگان در چهار دهه‌ی گذشته، وضعیت خاصی را تجربه کرده است. این استان در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری^۲ در دهه‌های گذشته، تغییر و تحولات عمده‌ای را به خود دیده است. با آغاز به کار پروژه‌های عظیم صنعتی، تغییر و تحولات عمده‌ای در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی در استان هرمزگان بوجود آمد، همچنین در طی این سال‌ها، بسیاری از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی از جمله سطح آموزش، بهداشت و امید به زندگی بهبود چشمگیری یافت. بنابراین مطابق نظریه‌های تغییرات فرهنگی، انتظار می‌رفت که در سایه‌ی تحولات اجتماعی و اقتصادی، جهت‌گیری ارزشی افراد نیز بطور متناسب و هماهنگ با بعد سخت توسعه در استان، تغییر یابد و در نتیجه زمینه‌های حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و توسعه‌ی پایدار در جامعه فراهم گردد. اما بر اساس

^۱ Dalton & et al.

^۲ احداث بنادر عظیم و تأسیسات بندری شهید رجایی و شهید باهنر، توسعه‌ی صنایع نفت و گاز، توسعه‌ی پالایشگاه‌ها، صنایع کشتی‌سازی، آلومینیوم، فولاد، توسعه‌ی گمرکات، مناطق آزاد تجاری قشم و کیش و ...

مشاهدات و تحقیقات انجام شده (رئوفی، ۱۳۸۵ و اخلاقی‌پور، ۱۳۷۹)، شواهدی یافت می‌شود که نشان از جهت‌گیری‌های ارزشی سنتی، خاص‌گرایانه و قوم‌مدارانه و ناهماهنگ با شاخص‌های توسعه در بین شهروندان هرمزگانی و به ویژه شهروندان بندرعباسی دارد. بر این اساس با توجه به مطالب فوق، ضرورت داشت موضوع مقاله‌ی حاضر بصورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد تا ضمن شناخت بیشتر در زمینه‌ی وضعیت جهت‌گیری ارزشی افراد، به بررسی ارتباط میان وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ی انسانی و نوع جهت‌گیری ارزشی آنها بپردازد. بدیهی است که شناخت بیشتر و دقیق‌تر مسائل فرهنگی و ارزشی آنها در جامعه‌ی چندفرهنگی مانند شهر بندرعباس از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا شناخت بیشتر مسائل فرهنگی و ارزشی می‌تواند منجر به حفظ و تقویت انسجام اجتماعی گردد. از این‌رو در این مقاله ما در صدد هستیم تا ضمن شناخت جهت‌گیری ارزشی افراد، ارتباط بین جهت‌گیری ارزشی آنان را با شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ی انسانی مورد بررسی قرار دهیم. به عبارت دیگر بر آنیم تا دریابیم که شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ی انسانی مانند تحصیلات، احساس امید به زندگی و قدرت اقتصادی، چه رابطه‌ای با جهت‌گیری ارزشی افراد دارند؟ همچنین با توجه به این که تحصیلات، قدرت اقتصادی و احساس امید به زندگی از شاخص‌های مهم توسعه‌ی انسانی بشمار می‌روند، آیا وضعیت افراد به لحاظ میزان برخورداری از این شاخص‌ها، در جهت‌گیری ارزشی آنها مؤثر است؟

اهداف پژوهش

- ۱- بررسی و شناخت وضعیت جهت‌گیری ارزشی افراد
- ۲- بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ی انسانی و میزان بهره‌مندی افراد
- ۳- بررسی رابطه‌ی بین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی و نوع جهت‌گیری ارزشی افراد

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

میرفردی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان: جهت‌گیری ارزشی توسعه محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن، مورد مطالعه: معلمان

شهرستان بروجن، به این نتیجه رسیدند که ۷۲/۱ درصد از معلمان دارای حد متوسطی از جهت‌گیری ارزشی توسعه محور بودند. همچنین سطح سواد والدین، وضعیت اقتصادی خانواده در دوران نوجوانی، درآمد، وضعیت اشتغال و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ارتباط معناداری با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور نداشتند. احساس امید به زندگی و احساس رضایت از زندگی رضایت شغلی، رابطه‌ی معنی‌داری با جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور داشتند؛ به این معنا که با افزایش احساس امید به زندگی و رضایت از زندگی، جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور افزایش می‌یابد (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹). محسنی (۱۳۷۹)، در تحقیقی با عنوان: بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، با نمونه‌ی ۳۵۴۰ نفر به مطالعه‌ی ابعاد مختلف فرهنگ پرداخته است نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ارزش‌مادی‌گرایانه، واقع‌گریزی و غیر اجتماعی در نسل ۱۶-۲۴ ساله‌ی ایران در معرض رشد زیادی است. اندیشه‌های جبرگرایانه در بی‌سوادان، کم درآمد، سالمندان و تا حدودی جوانان و زنان دارای قدرت قابل توجهی است. مقطع تحصیلی دیپلم متوسطه و پس از آن دانشگاه از تعیین‌کننده‌ترین مقاطع در دگرگونی ارزش‌هاست. بررسی نشان می‌دهد که نگرش‌های فرهنگی برخلاف تصورات دو عامل جنس و سن به مراتب کمتر از درآمد و سواد تعیین‌کننده است. سن تنها در گروه‌بندی‌های خیلی گسترده، مثلاً در مقایسه‌ی جوان و سالخوردگان اهمیت پیدا می‌کند (سرای و سهامی، ۱۳۸۸: ۲۶-۵).

جهانگیری و میرفردی در تحقیقی با عنوان: جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی در ایران، مطالعه‌ی موردی: ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج» به شیوه‌ی پیمایشی به آزمون فرضیه‌هایی درباره‌ی ارتباط شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی با جهت‌گیری ارزشی می‌پردازد. داده‌های این تحقیق از طریق مصاحبه با ۹۹۰ نفر از افراد پانزده ساله و بالاتر ساکن شهرهای شیراز و یاسوج به دست آمده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی (سطح سواد فرد، سطح سواد والدین، میزان احساس امید به زندگی، پایگاه اقتصادی) و همچنین وضعیت شغلی، با جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی بیشتر بهبود یابند، نمره‌ی جهت‌گیری ارزشی نیز افزایش می‌یابد و افراد از نظر ارزشی با توسعه سازگارتر هستند (جهانگیری و میرفردی، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۰۳).

سرابی و سهامی در تحقیقی با عنوان: بررسی تأثیر تحصیلات زنان بر جهت‌گیری ارزشی آنان نسبت به توسعه، تأثیر تحصیلات بر ارزش‌های توسعه‌مدار زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند و برای سنجش ارزش‌های توسعه‌مدار با یک رویکرد فرهنگی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی را در زمینه‌ی تغییرات و توسعه و دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی در زمینه‌ی ارزش‌ها را در بین ۵۳۴ زن پانزده تا ۴۵ ساله‌ی شهر شیراز بررسی کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تحصیلات عالی، گرایش به ارزش‌های علم‌گرایی و جهانی‌گرایی را افزایش می‌دهد؛ همچنین یافته‌ها نشان داد که میانگین عام‌گرایی و عقلانیت در زنان با تحصیلات عالی بیش از دیگر زنان بوده اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبوده است. به عبارت دیگر، آموزش بعنوان یک عامل اساسی در خلق ارزش‌های مدرن و توسعه، توانسته است نوعی قابلیت و تحرک ذهنی در قالب جهت‌گیری ارزشی زنان به سمت توسعه ایجاد کند (سرابی و سهامی، ۱۳۸۸: ۲۶-۵).

جهانگیری و ابوترابی زارچی، در تحقیقی با عنوان: بررسی عوامل مرتبط با جهت‌گیری ارزشی جوانان، مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز سعی دارند تا با بهره‌گیری از روش پیمایش، عواملی را که با جهت‌گیری ارزشی جوانان در ارتباط است، بررسی کنند. نتایج تحقیق نشان داد که ۲۱/۶ درصد از افراد به سمت جهت‌گیری مادی‌گرایانه تمایل دارند در حالیکه، ۷۸/۴ درصد از افراد متمایل به جهت‌گیری ارزشی فرامادی گرایانه هستند؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون فرضیات بیانگر آن است که متغیرهای عضویت در انجمن‌های سیاسی مذهبی، رضایت از زندگی، دینداری، استفاده از رسانه‌های قدیمی و نوظهور و همچنین قومیت با نوع جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی معناداری دارد (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱: ۹۰-۷۵).

آزادارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳)، در تحقیقی با عنوان: جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران به بررسی تغییر و تحولات ساختار نظام ارزشی ایرانیان پرداخته‌اند. آنها در تحقیقشان به صورت تجربی نظریه‌ی اینگلهارت را بر روی ارزش‌های و نگرش‌های ایرانیان تطبیق داده‌اند و نشان داده‌اند که در ایران نیز مانند کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی بین نگرش‌ها و ارزش‌های مادیون و فرامادیون تفاوت‌هایی وجود دارد (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳).

خالقی‌فر نیز در مطالعه‌ی خود با عنوان: بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده‌ی ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی نشانگان فرهنگی، جهت‌گیری ارزشی جوانان ایرانی را در مقایسه با برخی کشورها و با استفاده از نظریه‌ی

اینگلهارت مورد بررسی قرار داده است. وی نشان داده است که جوانان ایرانی دارای ارزش‌های سنتی و مادی‌گرایانه و قوم‌مدارانه بوده‌اند. این نتایج با ارزش‌های افراد در سه کشور مجارستان، آرژانتین و آفریقای جنوبی همسو و هم‌نوا بوده است (خالقی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۵۸-۱۰۷).

ب) تحقیقات خارجی

پیشینه‌ی مطالعات در حوزه‌ی فرهنگ و توسعه به نظریه‌ی وبر در خصوص اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری بر می‌گردد. به زعم وبر رشد سرمایه‌داری در غرب مدیون آموزه‌های کالونی مذهب پروتستان است. وبر اعتقاد دارد در آیین کالونسیسم، نوعی عقلانیت وجود دارد که فعالیت اقتصادی سودمند را موجب می‌شود (وبر، ۱۳۸۲). در دهه‌های اخیر مطالعات جامع‌تری در حوزه‌ی توسعه و تغییرات فرهنگی انجام شده است. مطالعه‌ی ولزل و همکارانش (۱۳۸۲)، تحت عنوان: توسعه‌ی انسانی، بعنوان نظریه‌ای کلی درباره‌ی تغییر اجتماعی؛ دیدگاهی چند سطحی و میان فرهنگی^۱، که جریان و ماهیت تغییرات اجتماعی و از جمله تغییر ارزش‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها سه مؤلفه‌ی توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی، تغییر فرهنگی و دموکراتیک شدن را نشانگان به هم پیوسته‌ای از تغییر اجتماعی می‌دانند. این بررسی که براساس داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها انجام شده است نشان می‌دهد که نشانگان توسعه‌ی انسانی به واسطه‌ی تأثیر علی منابع فردی و ارزش‌های بیان نفس بر حقوق واقعی به وجود می‌آیند (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲؛ ولزل و همکاران^۲، ۲۰۰۱).

اینگلهارت و بیکر (۲۰۰۰)، در مطالعه‌ی دیگری با عنوان: مدرنیزاسیون، تغییرات فرهنگی و تداوم ارزش‌های سنتی، به بررسی نقش توسعه‌ی اقتصادی در تغییر یا پایداری ارزش‌های سنتی پرداخته‌اند. آنها نشان داده‌اند که سنت‌های فرهنگی دارای دو وضعیت، یعنی تغییرات گسترده و همچنین پایداری هستند و توسعه‌ی اقتصادی موجب تغییر از هنجارها و ارزش‌های مطلق به سمت ارزش‌های عقلانی و مشارکت‌جویانه می‌شود (اینگلهارت و بکر^۳، ۲۰۰۰).

¹ human development as a general theory of social change: a multilevel and cross-cultural perspective

² Welzel & et al.

³ Inglehart & Baker

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اغلب مطالعات انجام شده به بررسی تغییرات فرهنگی و ارزشی پرداخته‌اند، که این موضوع را می‌توان بعنوان نکات قوت این دسته از مطالعات ذکر نمود، اما با این حال ملاحظه می‌شود که در این‌گونه تحقیقات، به ندرت به بررسی ارتباط بین وضعیت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ی انسانی و جهت‌گیری ارزشی افراد پرداخته شده است. این مسأله، در جوامع دارای تنوع فرهنگی مانند ایران که می‌توان سطوح متفاوتی از توسعه و به ویژه توسعه‌ی انسانی را در یک زمان ملاحظه کرد، اهمیت و ضرورت بررسی موضوع این مقاله را آشکارتر می‌سازد.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

موضوع اصلی در میراث نظریه‌های جامعه‌شناختی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این بود که جامعه‌ی در حال دگرگونی از یک جامعه مبتنی بر روابط نخستین اجتماع کوچک و بسته و نیز مبتنی بر ارتباطات خونی، خویشاوندی و نزدیک، به یک جامعه در حال تبدیل به جامعه‌ی صنعتی تشکیل یافته از روابط ثانویه می‌باشد. که این دگرگونی، انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و اثرات عمیقی بر زندگی افراد باقی خواهد گذاشت (دیکنز، ۱۳۷۷: ۴۸). طی دو سده‌ی گذشته نظریه‌پردازان اجتماعی کوشیده‌اند نظریه‌ی کلانی بپروانند که ماهیت دگرگونی اجتماعی را تبیین کند، اما هیچ‌یک از نظریه‌های تک‌عاملی نمی‌تواند تنوع و گوناگونی توسعه و تغییرات اجتماعی را توضیح دهد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ بنابراین می‌توان گفت تکیه بر نظریه‌های تک‌عاملی، نمی‌تواند ما را در تبیین تحولات جوامع یاری رساند. لذا در این بخش با بهره‌گیری از نظریه‌های مرتبط با تغییرات فرهنگ، ارزش‌ها و توسعه به تنظیم مبانی و چارچوب نظری تحقیق خواهیم پرداخت.

بدون شک ماکس وبر یکی از برجسته‌ترین اندیشمندانی است که در حوزه‌ی فرهنگ، ارزش‌ها و توسعه‌ی جوامع، نظرات ارزشمندی را ارائه کرده است. ماکس وبر با شناخت عمیق و تحلیل ساختاری دقیق خود از نهادهای اجتماعی به صورت تطبیقی توانست نقش ارزش‌ها را در تعیین کنش افراد، در یک چارچوب نظری قرار دهد. اهمیت کار او در روش تحلیل نظام کنش‌های اجتماعی است که در درون آنها باورها، ارزش و نیز نیروهای اقتصادی بر کنش تأثیر می‌گذارند (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۱). وبر بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های خود را در مورد ارزش‌ها و توسعه در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری بیان نموده است که بدون تردید یکی از مشهورترین آثار علوم اجتماعی

است. نکته‌ی قابل توجه در دیدگاه وبر درباره‌ی پیشرفت و توسعه‌ی جوامع این است که پیشرفت و توسعه‌ی جوامع متأثر از عوامل ذهنی - فرهنگی است و این عوامل در خصوص اعتقادات مذهبی و ارزش‌های حاکم بر جوامع (مذهب پروتستان) نقش تعیین کننده‌ای در پیشرفت اقتصادی ممالک سرمایه‌داری غرب داشته است (وبر، ۱۳۸۲: ۸). وبر معتقد است که روحیه‌ی اقتصادی، جنبه‌ی اساسی طرز تفکر سرمایه‌داری است. این روحیه در واقع ناشی از میل به موفقیت انسان‌ها است که در مسلک پیوریتن‌ها بعنوان یک ارزش مطرح شده است (همان: ۷)؛ لذا فرهنگ دنیوی و سوداگرانه پیوریتانی و پروتستانی که در عرصه‌ی اقتصاد خواستار و مبلغ پشتکار، صرفه‌جویی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و خردگرایی در کسب و کار و اداره‌ی امور و تولید و توزیع بود، نقش اساسی را در پیدایش و رشد سرمایه‌داری در اروپا ایفا کرده است. بنابراین خردگرایی عامل رشد سرمایه‌داری و تحکیم بخش فرایند پیشرفت آن است. البته، وبر در کتاب اخلاق پروتستانی و روحیه‌ی سرمایه‌داری صریحاً اعلام می‌کند، این تصور که سرمایه‌داری و توسعه‌ی ملل غرب بدلیل پروتستانیسم بوجود آمده است، یقیناً خطاست، و ساده‌انگارانه است اگر تصور کنیم وبر پروتستانیسم را علت سرمایه‌داری می‌دانسته است. اما حقیقت آن است که روح سرمایه‌داری و روح مذهبی پروتستان تناسبی معنادار با هم دارند. در واقع پروتستانیسم، تنها علت رشد سرمایه‌داری نبوده بلکه نطفه‌ی سرمایه‌داری را بارور ساخته است. در واقع وبر در مطالعاتش بویژه در اخلاق پروتستان و روحیه‌ی سرمایه‌داری، کوشیده است تا اشکال مختلف عقلانی شدن فرهنگ و اهمیت چنین مباحثی را برای تکامل اجتماعی اقتصادی بیان نماید (وبر، ۱۳۸۲: ۸). بطور کلی دیدگاه وبر درباره‌ی فرهنگ، عقلانیت، سرمایه‌داری و ... بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مؤثر بوده است که از آن جمله می‌توان به نظریه‌ی مک کله لند، پارسنز و اینگلهارت اشاره نمود.

مک کله لند معتقد است که میل به موفقیت، عاملی مهم و قطعی در تعیین میزان موفقیت است. وی پیشرفت را ناشی از روحیه‌ی کار آفرینانه می‌داند و بر این باور است، در جامعه‌ای که روحیه نیاز به موفقیت در آن عموماً در سطح بالاتری است، کارآفرینان پرنیروتری تولید خواهد کرد که این به نوبه‌ی خود موجب توسعه‌ی اقتصادی سریع‌تری خواهد شد (مک کله لند^۱، ۱۹۶۱: ۲۰۵)؛ خلاصه اینکه مک کله لند اثبات می‌کند که

^۱ McClelland

نیاز به موفقیت در افراد مختلف و در فرهنگ‌های متفاوت یافت می‌شود و با شاخص‌های دیگر توسعه مانند رشد اقتصادی هم بسته است (هاریسون^۱، ۱۹۷۷: ۱۹).

پارسونز نیز در طرح متغیرهای الگویی خود، چهار نوع جهت‌گیری دوگانه^۲ را مطرح می‌کند که از هر فرد انتظار می‌رود در هنگام کنش در چارچوب نظام اجتماعی آن را اجرا کند. البته چنانکه می‌دانیم وضعیت جامعه‌پذیری افراد در اجتماع بر روی چگونگی اجرا و جهت‌گیری نقش بسزایی دارد. پارسونز با این طبقه‌بندی می‌خواهد ارزش‌های جوامع گوناگون را بدست آورد و ماهیت آنها را در رابطه با این جهت‌گیری‌ها مشخص کند (پارسونز و اسملسر^۳، ۱۹۸۴: ۳۳). به نظر پارسونز در جوامع مدرن امروزی جهت‌گیری الگوها به سمت عام‌گرایی، اکتسابی، پراکنده و غیر عاطفی است و نقش‌های اجتماعی طوری تنظیم شده است که جهت‌گیری عکس آن رابطه را دچار بدکارکردی می‌کند. به زعم پارسونز مهم‌ترین ویژگی جوامع مدرن عام‌گرایی است که بر اساس قواعد رفتاری و حقوقی و به صورت دموکراتیک تنظیم شده است (پارسونز و همکاران، ۱۹۷۵: ۷۸-۷۹).

یکی دیگر از نظریه‌هایی که به بررسی ارتباط بین تغییرات اقتصادی - اجتماعی و تغییرات فرهنگی و ارزشی پرداخته است و با توفیقات نسبی در این زمینه همراه بوده است، نظریه‌ی دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت است. وی در اثر خود با عنوان تحول فرهنگی در جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی به بررسی ارتباط بین زمینه‌های فرهنگی و ارزشی از یک‌سو و شرایط اقتصادی جامعه از سوی دیگر پرداخته است و این تعامل را با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. اینگلهارت دگرگونی فرهنگی و ارزشی را امری تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه‌ی نسل‌های مختلف قلمداد می‌کند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱). وی در نظریه‌ی دگرگونی ارزشی، ارزش‌ها را به دو دسته‌ی مادی و فرامادی تقسیم‌بندی می‌کند و بر این باور است که در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی، در نتیجه‌ی رونق اقتصادی، اولویت‌های ارزشی از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی و مرتبط با امنیت اقتصادی و اجتماعی به سوی تأکید بیشتر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا همان ارزش‌های فرامادی گرایش پیدا نموده است (همان: ۱-۳).

^۱ Harrison

^۲ عاطفی - غیر عاطفی، عام‌گرایی - خاص‌گرایی، ویژه - پراکنده، انتسابی - اکتسابی.

^۳ Parsons and Smelser

آنچه در فرایند دگرگونی ارزشی محور اصلی بحث قرار می‌گیرد، گذار از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی در جوامع است. اینگلهارت فرایند تغییر ارزش‌ها را فرایندی جهانی می‌داند، یعنی هر کشوری که از شرایط نا امنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت کند، باید این فرایند در آن کشور روی دهد (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۲).

اینگلهارت برای تبیین فرایند دگرگونی ارزشی از دو فرضیه‌ی پیش‌بینی‌کننده بهره می‌برد:

۱- فرضیه‌ی کمیابی^۱، که در آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی است، به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه‌ی آن نسبتاً کم است.

۲- فرضیه‌ی اجتماعی شدن^۲، که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال‌های قبل از بلوغ وی است (اینگلهارت، ۱۹۹۷: ۳۳).

دو فرضیه‌ی اساسی فوق مجموعه به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. در حالی که فرضیه‌ی کمیابی به رابطه‌ی بین شکوفایی و امنیت اقتصادی و گسترش ارزش‌های فرامادی اشاره دارد، فرضیه‌ی اجتماعی شدن دگرگونی ارزشی را از طریق فرایندی تدریجی و در نتیجه‌ی جایگزینی نسلی می‌داند. در واقع فرضیه‌ی اجتماعی شدن، فرضیه‌ی کمیابی را تکمیل می‌کند (آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۳: ۲۳)؛ و نتیجه‌ی اساسی‌تری را بدست می‌دهد. به بیان دیگر دگرگونی ارزشی نه مستقیم بلکه به واسطه و به همراه ورود نسل جدید به جامعه رخ می‌دهد، چرا که نفوذ ارزش‌های جدید بازتاب درک ذهنی افراد از امنیت مالی و جانی است، نه از خود سطح اقتصادی. به عبارت دیگر نظام ارزشی فرد تحت تأثیر وضع اقتصادی او نیست بلکه بیشتر از آن، بر اثر محیط‌های فرهنگی و نهادهای رفاه اجتماعی سامان می‌پذیرد و مجموعاً فضای پرورش و رشد فرد را شکل می‌دهند (معیدفرد، ۱۳۸۶: ۵۷).

با توجه به چارچوب نظری اینگلهارت می‌توان گفت که اولویت‌های ارزشی افراد، هم تحت تأثیر میزان رفاه اقتصادی و اجتماعی و هم جریان جامعه‌پذیری است. چنانچه فردی در دوران اولیه‌ی زندگی خویش، در محیط آرام اجتماعی و سیاسی همراه با

¹ scarcity hypothesis

² socialization hypothesis

تأمین نیازهای اقتصادی و امنیتی باشد، گرایش او به سمت ارزش‌های فرا مادی محتمل‌تر است و به تعبیری، وی ارزش‌های فرامادی را در اولویت قرار می‌دهد. در مقابل اگر افراد وضعیت فوق را تجربه نکرده باشند، اولویت ارزشی آنها دگرگون شده و ارزش‌های مادی در اولویت قرار می‌گیرند.

مطابق دیدگاه اینگلهارت می‌توان گفت که ارزش‌های افراد در جامعه‌ی آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آنها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه‌پذیری احساس کرده‌اند، می‌تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند. در یک‌سو افراد مسن‌تر که طعم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در دوران جنگ و قبل از آن تجربه کرده‌اند و در سوی دیگر جوان‌ترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری پرورش یافته و اجتماعی شده‌اند.

با توجه به این که مقاله‌ی حاضر می‌کوشد تا به بررسی و شناخت جهت‌گیری ارزشی افراد و ارتباط آن با میزان بهره‌مندی افراد از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه‌ی انسانی بپردازد و در واقع به نوع جهت‌گیری ارزشی افراد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف مربوط می‌شود، لذا چارچوب نظری تحقیق با بهره‌گیری از نظریه‌های مطرح شده و با تأکید بر نظریه‌ی دگرگونی ارزشی اینگلهارت تدوین شده است.

همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، نظریه‌ی دگرگونی ارزشی بر دو فرضیه‌ی مهم و اساسی، کمیابی و اجتماعی شدن استوار است و اینگلهارت نیز برای تبیین فرایند دگرگونی ارزشی از این دو فرضیه‌ی پیش‌بینی کننده بهره می‌برد. زیرا این فرضیه‌ها مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند. در حالی که فرضیه‌ی کمیابی به رابطه‌ی بین شکوفایی و امنیت اقتصادی و گسترش ارزش‌های فرامادی اشاره دارد، فرضیه‌ی اجتماعی شدن دگرگونی ارزشی را از طریق فرایندی تدریجی و در نتیجه جایگزینی نسلی می‌داند. در واقع فرضیه‌ی اجتماعی شدن، فرضیه‌ی کمیابی را تکمیل می‌کند. مطابق دیدگاه اینگلهارت می‌توان گفت که ارزش‌های افراد در جامعه‌ی آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آنها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه‌پذیری احساس کرده‌اند، می‌تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند؛ در یک‌سو افراد مسن‌تر که طعم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را در دوران جنگ و قبل از آن تجربه کرده‌اند و در سوی دیگر جوان‌ترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری پرورش یافته و

اجتماعی شده‌اند؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق نظریه‌ی دگرگونی ارزشی (تغییر از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی) که بر اساس دو فرضیه‌ی مهم، کمیابی و اجتماعی شدن استوار است، می‌تواند چارچوب و راهنمای مناسبی برای تحقیق حاضر باشد.

بطور کلی بر اساس نظریه‌ی دگرگونی ارزشی می‌توان گفت تغییر در جهت‌گیری‌های ارزشی افراد بازتاب شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد است. عبارت دیگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده‌ی جهت‌گیری ارزشی مادی یا فرامادی آنها باشد.

پارسونز نیز با طرح متغیرهای الگویی، اذعان دارد که در جوامع مدرن و پیشرفته جهت‌گیری الگوها به سمت عام‌گرایی، اکتسابی، پراکنده و خنثی است و نقش‌های اجتماعی طوری تنظیم شده است که جهت‌گیری عکس آن، رابطه را دچار بدکارکردی می‌کند. همچنان که ملاحظه می‌شود پارسونز نیز به رابطه‌ی بین پیشرفت و توسعه‌ی جوامع و تغییر در عناصر فرهنگی مانند عام‌گرایی اشاره داشته است. با توجه به اینکه تحقیق حاضر در جامعه‌ای انجام می‌شود که ویژگی بارز آن چند قومی و چند فرهنگی بودن است و مسأله‌ی حفظ انسجام اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد، لذا موضوع عام‌گرایی و میزان آن می‌تواند متغیر مناسبی در جهت تبیین وضعیت جهت‌گیری ارزشی افراد به حساب آید.

بر این اساس در این مقاله متغیرهای مستقل شامل میزان بهره‌مندی افراد از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی توسعه‌ی انسانی مانند سطح تحصیلات، احساس سلامتی (امید به زندگی)، درآمد خانواده، عام‌گرایی و رضایت از زندگی است. نوع جهت‌گیری ارزشی نیز در این تحقیق متغیر وابسته است که با استفاده از سنجه‌ی دوازده ارزشی اینگلهارت سنجیده شده است و از این طریق در نهایت وضعیت نوع جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان مشخص می‌شود.

فرضیات پژوهش

فرض محوری در این تحقیق این است که تغییر در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه‌ی انسانی موجب تغییر در جهت‌گیری ارزشی افراد می‌شود؛ لذا به منظور بررسی فرض محوری فوق، فرضیات زیر مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند.

۱- بین عام‌گرایی پاسخگویان و نوع جهت‌گیری ارزشی آنان رابطه وجود دارد.

- ۲- نوع جهت‌گیری ارزشی افراد با میزان احساس امید به زندگی رابطه دارد.
- ۳- بین میزان رضایت‌مندی از زندگی و نوع جهت‌گیری ارزشی افراد رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان درآمد خانواده و نوع جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین سن و نوع جهت‌گیری ارزشی افراد رابطه وجود دارد، به این صورت که افراد جوان‌تر بیشتر دارای ارزش‌های فرامادی و افراد مسن‌تر بیشتر دارای ارزش‌های مادی می‌باشند.
- ۶- نوع جهت‌گیری ارزشی افراد با میزان استفاده از رسانه‌های جمعی رابطه دارد.
- ۷- بین سطح تحصیلات و نوع جهت‌گیری ارزشی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق پیرامون هر موضوعی مستلزم بکارگیری روشی متناسب با موضوع مورد بررسی می‌باشد تا از این طریق بتوان به اطلاعات و داده‌های مورد نیاز جهت تجزیه و تحلیل دست یافت. مطالعه‌ی حاضر یک پژوهش پیمایشی است. زیرا ویژگی‌های بارز پیمایش در شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها نهفته است (دواس، ۱۳۷۶: ۱۴). ابزار اصلی جهت گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه است که بصورت مصاحبه‌ی حضوری تکمیل شده‌اند.

جامعه‌ی آماری این تحقیق نیز شامل کلیه‌ی شهروندان هیجده سال و بالاتر (۲۵۱۸۲۵ نفر) ساکن در شهر بندرعباس می‌باشد. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد گردید، اما برای افزایش میزان دقت، حجم نمونه را به ۴۰۰ نفر افزایش دادیم. ولی در نهایت پس از حذف هفت پرسشنامه که بطور ناقص تکمیل شده بودند، تجزیه و تحلیل داده‌ها بر روی داده‌های ۳۹۳ پرسشنامه نمونه انجام شد. پاسخگویان نمونه نیز طی دو مرحله و با انتخاب ۱۵ بلوک نمونه در مرحله‌ی اول و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی جهت دسترسی به افراد نمونه در مرحله‌ی دوم، انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز پس از استخراج، با استفاده از برنامه‌ی نرم‌افزاری *SPSS*^۱ انجام شده است.

^۱ Statistical Package for Social Science

شیوه‌ی سنجش متغیرها: نوع جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان که در این تحقیق متغیر وابسته است، با استفاده از سنجهی دوازده ارزشی اینگلهارت سنجیده شده است، به این صورت که با استفاده از سنجهی دوازده ارزشی اینگلهارت، مرکب از شش ارزش مادی (رشد اقتصادی، نیروهای دفاعی قوی، حفظ نظم، مبارزه با افزایش قیمت‌ها، ثبات اقتصادی، مبارزه با جرم و جنایت) و شش ارزش فرامادی (حق ابراز نظر درباره‌ی کار و اجتماع، زیباسازی شهرها و روستاها، سهم بیشتر مردم در حکومت، آزادی بیان، جامعه‌ای انسانی‌تر، احترام به عقاید)، افراد اولویت‌های ارزشی خود را انتخاب، سپس متناسب با سنجه‌هایی که انتخاب می‌کنند به سه سنخ ارزشی تقسیم‌بندی می‌شوند. افرادی که فقط ارزش‌های مادی را از بین ارزش‌های دوازده گانه انتخاب می‌کنند در دسته‌ی مادی، و افرادی که صرفاً ارزش‌های فرامادی را انتخاب نمایند، در دسته‌ی فرامادی و کسانی که هم به ارزش‌های مادی و هم به ارزش‌های فرامادی اشاره کنند در دسته‌ی ارزش‌های التقاطی قرار می‌گیرند، از این طریق در نهایت وضعیت سه نوع جهت‌گیری ارزشی (مادی، فرامادی و التقاطی) در بین پاسخگویان مشخص می‌شود. متغیرهای مستقل نیز با استفاده از سئوال‌ات یا گویه‌های مناسب و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار داده شدند. برای سنجش متغیرهای عام‌گرایی و رضایت از زندگی به ترتیب از یازده و پنج گویه استفاده گردید. نتایج حاصل از بررسی میزان پایایی نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ بین گویه‌های مربوط به دو متغیر فوق به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۳ می‌باشد. بنابراین با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ بدست آمده می‌توان گفت ابزار سنجش این متغیرها از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان: نتایج حاصل از بررسی وضعیت جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان (متغیر وابسته) نشان می‌دهد که ۴۴/۸ درصد افراد دارای جهت‌گیری ارزشی مادی، ۵۰/۱ درصد دارای اولویت‌های ارزشی التقاطی (ارزش‌های مادی و فرامادی به صورت توأم) و ۵/۱ درصد افراد نیز دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی بودند؛ بنابراین می‌توان گفت افراد، ارزش‌های مادی را نسبت به ارزش‌های فرامادی، در اولویت بالاتری قرار می‌دهند که با توجه به فرضیه‌ی کمیایی اینگلهارت مبنی بر اینکه اولویت‌های ارزشی فرد بازتاب محیط اقتصادی و اجتماعی وی است، نتیجه می‌گیریم که در جامعه‌ی آماری این تحقیق هنوز نیازهای اولیه‌ی افراد در زندگیشان کاملاً برآورده نشده

است. بنابراین افراد بیشتر دارای ارزش‌های مادی می‌باشند. همچنین نتیجه‌ی فوق مؤید این موضوع است که علیرغم ظهور و نمود بُعد سخت توسعه در استان هرمزگان (ورود مظاهر توسعه به استان)، بُعد نرم توسعه (تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب) تحقق نیافته است.

آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های مندرج در جدول ۱ یک بیانگر آن است که متغیرهای تحصیلات افراد (۰/۱۸)، تحصیلات والدین (۰/۲۶)، احساس امید به زندگی (۰/۱۵)، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی (۰/۱۴) و میزان رضایت از زندگی (۰/۱۷) با جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی معنی‌داری دارند اما متغیرهای میزان درآمد و عام‌گرایی رابطه‌ی معنی‌داری با جهت‌گیری ارزشی نداشتند.

جدول ۱: آزمون رابطه بین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و جهت‌گیری ارزشی

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب وی کرامر	سطح معنی‌داری
جهت‌گیری ارزشی	تحصیلات افراد	۰/۱۸	۰/۰۳
	تحصیلات والدین	۰/۲۶	۰/۰۰۸
	احساس امید به زندگی	۰/۱۵	۰/۰۰۳
	میزان استفاده از رسانه‌های جمعی	۰/۱۴	۰/۰۱
	رضایت از زندگی	۰/۱۷	۰/۰۰۷
	میزان درآمد	۰/۲۳	۰/۷۳
	عام‌گرایی	۰/۲۷	۰/۱۳

تحصیلات و جهت‌گیری ارزشی: یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و میزان دسترسی اعضای جامعه به آن فرصت‌هاست. رشد نهادهای آموزشی و بالا رفتن سطح تحصیلات در یک جامعه می‌تواند نوعی قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد کند و زمینه‌ساز مشارکت فعال افراد در تحولات اجتماعی و فرهنگی باشد. تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران، آموزش را کلید توسعه در ابعاد مختلف می‌دانند (سرایبی و سهامی، ۱۳۸۸). در همین راستا یافته‌های این تحقیق نشان داد افراد دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر به سوی ارزش‌های فرامادی تمایل دارند و افراد دارای تحصیلات کمتر، تمایل بیشتری به سمت ارزش‌های مادی دارند. به عبارت دیگر

می‌توان گفت هر چه سطح تحصیلات فرد یا والدین او بالاتر باشد تمایل به سمت ارزش‌های فرامادی بیشتر می‌شود.

رسانه‌های جمعی و جهت‌گیری ارزشی: به زعم اینگلهارت تکنولوژی‌های ارتباطی موجب رشد جهت‌گیری ارزشی فرامادی گرایانه در جامعه می‌شود. یافته‌های این تحقیق نیز همسو با نظر اینگلهارت نشان داد که هر چه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بیشتر باشد، افراد به سمت جهت‌گیری ارزشی فرامادی تمایل نشان می‌دهند. ضریب وی کرامر و سطح معنی‌داری آن (۰/۰۱) نیز مؤید این موضوع می‌باشد.

میزان درآمد و جهت‌گیری ارزشی: بر اساس نظریه‌ی اینگلهارت جوامعی که افراد آن از لحاظ مادی در سطح رفاهی بالاتری باشند جهت‌گیری ارزشی‌شان به سوی ارزش‌های فرامادی است. اما نتایج این تحقیق رابطه‌ی معنی‌داری بین میزان درآمد افراد و جهت‌گیری ارزشی آنها نشان نداد و فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت. بنابراین می‌توان گفت که افزایش درآمد (افزایش سطح رفاه مادی) در جامعه موجب تمایل افراد به سوی ارزش‌های فرامادی نگردیده است. این یافته هم راستا با نظریه‌ی اینگلهارت نیست اما با یافته‌های میرفردی و همکارانش (۱۳۸۹)، همسو است.

عام‌گرایی و جهت‌گیری ارزشی: بر اساس مبانی نظری، با افزایش میزان عام‌گرایی در جامعه، اولویت ارزشی افراد از سمت ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی تغییر خواهد کرد. اما یافته‌های تحقیق حاضر این موضوع را تأیید نمی‌کند. به عبارت دیگر افزایش عام‌گرایی موجب جهت‌گیری ارزشی فرامادی گرایانه نشده است؛ بنابراین فرضیه مدعی وجود رابطه‌ی بین عام‌گرایی و جهت‌گیری ارزشی رد می‌شود.

احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی: احساس امید به زندگی که یکی از شاخص‌های مهم توسعه‌ی انسانی بشمار می‌رود، در این تحقیق از محاسبه (ارزیابی از وضع سلامتی، میزان احساس تندرستی و امید به آینده) به دست آمده است. یافته‌ها نشان داد که هر چه میزان احساس امید به زندگی افراد بالاتر باشد تمایل و جهت‌گیری ارزشی آنها به سمت ارزش‌های فرامادی بیشتر خواهد بود؛ بنابراین فرضیه‌ی مبتنی بر وجود رابطه‌ی بین احساس امید به زندگی و جهت‌گیری ارزشی تأیید می‌شود.

رضایت از زندگی و جهت‌گیری ارزشی: رضایت از زندگی بعنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی موجب تمایلات آزادی‌خواهانه و اعتماد بیشتر به هم‌نوعان می‌شود (ولزل و همکاران، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر افرادی که احساس رضایت بیشتری از زندگی دارند تمایلات ارزشی فرامادی خواهند داشت. یافته‌های این تحقیق نیز نشان داد

که بین میزان رضایت از زندگی و جهت‌گیری ارزشی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. نتیجه‌ی فوق با یافته‌های جهانگیری و ابوترابی (۱۳۹۱) و جهانگیری و میرفردی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

رابطه‌ی سن و جهت‌گیری/ارزشی: نتایج حاصل از بررسی رابطه‌ی بین جهت‌گیری ارزشی و سن افراد با استفاده از ضریب اتا (۰/۳۲) نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد هر چند که این مقدار نسبتاً پایین می‌باشد. بر این اساس می‌توان گفت جوان‌ترها بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی و مسن‌ترها به سمت ارزش‌های مادی گرایش دارند. این موضوع هم راستا با آن بخش از نظریه‌ی اینگلهارت (۱۳۷۳)، است که تجربه‌ی جامعه‌پذیری افراد را در جهت‌گیری ارزشی آنها مؤثر می‌داند.

بحث و نتیجه‌گیری

ارزش‌ها نیرومندترین عنصر تعیین‌کننده در نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می‌روند و نقشی اساسی در تبیین، کنترل، هدایت و پیش‌بینی کنش‌های افراد ایفا می‌کنند و شیوه‌ی جهت‌گیری، کنش و تعامل آنها را نسبت به سایر افراد تعیین و هدایت می‌کنند. بنابراین با توجه به مطلب فوق بررسی ارزش‌ها به ویژه در جوامع چند فرهنگی مانند شهر بندرعباس، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ و می‌تواند به ایجاد و حفظ انسجام اجتماعی کمک شایان توجهی نماید. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه‌ی دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت، نوع جهت‌گیری ارزشی افراد و میزان بهره‌مندی افراد از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه‌ی انسانی (متغیرهای مستقل تحقیق) را مورد بررسی قرار داده است.

نتایج حاصل از بررسی وضعیت جهت‌گیری ارزشی پاسخگویان (متغیر وابسته) نشان داد که نزدیک به نیمی از پاسخگویان دارای جهت‌گیری ارزشی مادی و مابقی دارای اولویت‌های ارزشی التقاطی (ارزش‌های مادی و فرامادی به صورت توأم) و یا دارای اولویت‌های ارزشی فرامادی بودند. اینگلهارت (۱۳۷۳)، در نظریه‌ی دگرگونی ارزشی، ارزش‌ها را به دو دسته‌ی مادی و فرامادی تقسیم‌بندی می‌کند و بر این باور است که در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی، در نتیجه رونق اقتصادی، اولویت‌های ارزشی از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی و مرتبط با امنیت اقتصادی و اجتماعی به سوی تأکید بیشتر بر آزادی، ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا همان ارزش‌های فرامادی گرایش پیدا نموده است. بنابراین آنچه در فرایند دگرگونی ارزشی محور اصلی بحث قرار می‌گیرد، گذار از

ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی در جوامع است. اینگلهارت فرایند تغییر ارزش‌ها را فرایندی جهانی می‌داند، یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به سوی امنیت نسبی حرکت کند، باید این فرایند در آن کشور روی دهد. اما همان‌گونه که یافته‌ها نشان داد، با وجود بهبود در برخی از شاخص‌های توسعه‌ی انسانی در جامعه‌ی آماری این تحقیق، آن‌گونه که انتظار می‌رفت جهت‌گیری ارزشی افراد به سمت ارزش‌های فرامادی تمایل پیدا نکرده است و نزدیک به نیمی از افراد همچنان دادای جهت‌گیری ارزشی مادی‌گرایانه هستند؛ بنابراین بر اساس فرضیه‌ی کمیابی اینگلهارت مبنی بر اینکه اولویت‌های ارزشی فرد بازتاب محیط اقتصادی و اجتماعی وی است، نتیجه می‌گیریم که علیرغم ظهور و نمود بُعد سخت توسعه در استان هرمزگان (ظهور و بروز مظاهر توسعه)، بُعد نرم توسعه (تغییرات فرهنگی و ارزشی متناسب) تحقق نیافته است. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق انجام شده توسط آزادارمکی و غیاثوند (۱۳۸۳)، همسو است. بخش دیگری از نتایج نشان داد که جوانان و افراد دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی گرایش دارند. این موضوع هم راستا با آن بخش از نظریه‌ی اینگلهارت (۱۳۷۳)، است که تجربه‌ی جامعه‌پذیری افراد را در جهت‌گیری ارزشی آنها مؤثر می‌داند. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین تحصیلات افراد، تحصیلات والدین، سن، احساس امید به زندگی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رضایت از زندگی و نوع جهت‌گیری ارزشی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش یا تغییر مثبت در میزان متغیرهای فوق موجب گرایش افراد به سوی ارزش‌های فرامادی خواهد گردید. این یافته‌ها هم راستا با مبانی نظری بویژه نظریه‌ی اینگلهارت است و نشان می‌دهد که تنها با بهبود وضعیت اقتصادی جامعه نمی‌توان انتظار داشت که جهت‌گیری ارزشی اعضای جامعه به سمت ارزش‌های فرامادی تغییر یابد بلکه همان‌گونه که یافته‌های این تحقیق نشان داد، بهبود در شاخص‌های مختلف توسعه‌ی انسانی می‌تواند تبیین‌کننده‌ی دقیق‌تری برای تغییر در جهت‌گیری افراد از سوی ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی باشد. بطور کلی می‌توان گفت، فرضیه‌هایی که مدعی وجود رابطه‌ی بین متغیرهای تحصیلات افراد، تحصیلات والدین، سن، احساس امید به زندگی، رضایت از زندگی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با نوع جهت‌گیری ارزشی بودند، مورد تأیید قرار می‌گیرند و فرضیه‌هایی که مدعی وجود رابطه‌ی بین متغیرهای میزان درآمد و عام‌گرایی با نوع جهت‌گیری ارزشی بودند، نیز رد می‌شوند.

بندرعباس از جمله شهرهایی است که از گروه‌های مختلف اجتماعی به لحاظ منشاء جغرافیایی^۱، در ترکیب جمعیتی خود برخوردار است که در یک بستر اجتماعی و فرهنگی مشترک، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. بر اساس مشاهدات و نتایج حاصل از این مطالعه به نظر می‌رسد، رونق اقتصادی و صنعتی شهر بندرعباس در دهه‌های اخیر، یکی از دلایل مهم هم‌گرایی گروه‌های اجتماعی و بهبود شاخص‌های توسعه‌ی انسانی بوده است. زیرا براساس ادعای نظریه‌ی همگرایی^۲، تفاوت‌ها در سنت‌های اجتماعی، همزمان با جریان صنعتی‌شدن جامعه‌ها از میان برداشته می‌شود و جامعه‌های مدرن بطور همگرا و با ویژگی‌های کم و بیش یکسانی با هم مشابهت پیدا می‌کنند. به زعم پارسونز نیز مهم‌ترین ویژگی جوامع مدرن جهت‌گیری الگوها به سمت عام‌گرایی است. علیرغم اینکه طی چند دهه‌ی اخیر بخش‌های زیربنایی، تولیدی، صنعتی، خدماتی و تجاری در شهر بندرعباس تحولات شایان توجهی را تجربه کرده است؛ اما یافته‌ها حاکی از آن است که این رونق اقتصادی و صنعتی، تأثیر معنی‌داری در جهت‌گیری ارزشی افراد نداشته است. به عبارت دیگر نظام ارزشی افراد صرفاً تحت تأثیر رونق وضعیت اقتصادی شهر بندرعباس نبوده است. مطابق دیدگاه اینگلهارت می‌توان گفت که ارزش‌های افراد در جامعه‌ی آماری این تحقیق بسته به درک ذهنی آنها از امنیت مالی و جانی که در دوران جامعه‌پذیری احساس کرده‌اند، می‌تواند متفاوت باشد. زیرا افراد شرایط متفاوت جامعه‌پذیری را تجربه کرده‌اند. در یک‌سو افراد مسن‌تر که وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه را در دهه‌ی شصت و قبل از آن تجربه کرده‌اند و در سوی دیگر جوان‌ترها که در شرایط اجتماعی، اقتصادی دیگری پرورش یافته و اجتماعی شده‌اند. نتایج این تحقیق که همسو با نظریه‌ی اینگلهارت می‌باشد نشان داد که جوان‌ترها در مقایسه با مسن‌ترها بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی تمایل دارند.

بنابراین با در نظر گرفتن تمامی جهات و نیز در نظر داشتن وضعیت گروه‌های اجتماعی و تنوع فرهنگی موجود در شهر بندرعباس، نیاز به توجه بیشتر به مقوله‌ی توسعه‌ی انسانی و جهت‌گیری ارزشی شهروندان احساس می‌شود؛ لذا طراحی و بکارگیری شیوه‌های فرهنگی - اجتماعی مؤثر (پرهیز از معیارهای تبعیض‌آمیز در تقسیم

^۱ در دهه‌های اخیر بخش‌های تولیدی، زیربنایی، صنعتی، تجاری و خدماتی در شهر بندرعباس رشد شایان توجهی داشته و تا حدود زیادی متحول شده است و این مسأله موجب جذب حجم زیادی از گروه‌های اجتماعی مهاجر از سایر استان‌های کشور به این شهر گردیده است.

^۲ convergence theory

منابع قدرت)، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی کارآمد و همچنین اتخاذ سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر و مناسب مانند احترام به آرا و عقاید همدیگر، پرهیز از اهانت به اعتقادات همدیگر، پرهیز از تمسخر یکدیگر و تأکید بر حقوق مدنی و شهروندی همه‌ی افراد و اعضای گروه‌های اجتماعی، از جمله مواردی هستند که در صورت توجه به آنها می‌توانند در حفظ همبستگی اجتماعی مؤثر باشند.

فهرست منابع:

- آزادارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، انتشارات آن.
- اخلاقی‌پور، منصور (۱۳۷۹). بررسی نگرش بومیان نسبت به غیر بومیان و تأثیر آن بر میزان مشارکت اجتماعی در شهر بندرعباس، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه‌ی صنعتی، مریم وتر، تهران، کویر.
- جهانگیری، جهانگیر و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۱). "بررسی عوامل مرتبط با جهت‌گیری ارزشی جوانان (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)"، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، سال اول، شماره‌ی اول.
- جهانگیری، جهانگیر و اصغر میرفردی (۱۳۸۷). "جهت‌گیری ارزشی و ارتباط آن با شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی توسعه‌ی انسانی در ایران (مطالعه‌ی موردی: ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج)"، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، شماره‌ی ۲۰، پاییز ۱۳۸۷.
- خالقی‌فر، مجید (۱۳۸۱). "بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیلکرده‌ی ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی"، نامه‌ی پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره‌ی ۳.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ ناییب، تهران، نشر نی.
- دیکنز، پیتر (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی شهری، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد، به نشر.
- رئوفی، محمود (۱۳۸۵). موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه در استان هرمزگان، پایان‌نامه‌ی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- سازمان برنامه و بودجه با همکاری سازمان ملل متحد (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه‌ی انسانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و بودجه مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
- سرایبی، حسن و سوسن سهامی (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر تحصیلات زنان بر جهت‌گیری ارزشی آنان نسبت به توسعه"، مجله‌ی جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره‌ی دوم، بهار.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). "روابط و ارزش‌های اجتماعی جوانان ایرانی"، فصلنامه‌ی مطالعات جوانان، شماره‌ی ۸ و ۹، بها و تابستان.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران، نشر نی.

معیدفر، سعید (۱۳۸۶). دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

میرفردی، اصغر؛ سیروس احمدی و زهره رفیعی بلداجی (۱۳۸۹). "جهت‌گیری ارزشی توسعه‌محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن (مورد مطالعه: معلمان شهرستان بروجن)، مطالعات فرهنگ ارتباطات، شماره‌ی ۱۱.

وبر، ماکس (۱۳۸۲). اخلاق پروتستان و روحیه‌ی سرمایه‌داری، ترجمه‌ی عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ولزل، کریس؛ رونالد اینگلهارت و هانس دیتر، کلینگ‌مان (۱۳۸۲). توسعه‌ی انسانی: نظریه‌ای درباره‌ی تغییر اجتماعی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Dalton, Russell J., Pham Minh Hac, Pham Thanh Nghi and Nhu-Ngoc T. Ong (2002). Social Relations and Social Capital in Vietnam: The 2001 World Values Survey, Institute for Human Studies in Vietnam.

Harrison, David (1997). Sociology of Modernization and Development, London, Hyman.

Inglehart, R. (1997). Modernization and Post modernization: Cultural Economic and Political Change in 43 Societies, Princeton University Press.

Inglehart, R. and W. E. Baker (2000). Modernization, Cultural Change, and the Persistence of Traditional Values, American Sociological Review, vol. 65, No 1, Pp. 19-51.

McClelland, David C. (1961). The Achieving Society, New York, The Free Press.

Parsons and Smelser (1984). Economy and society, A Study in Integration of Economic and Social Theory, Rutledge and Kegan Paul.

Welzel, C., R. Inglehart and H. Klingemann (2001). Human Development as a General Theory of Social Change: A Multilevel and Cross-cultural Perspective, Berlin, WZB.